

یک اتفاق ساده

تأملی بر جشنواره جهانی فجر در آستانه برگزاری



کیوان کثیریان

● ایران، صاحب مهم‌ترین سینمای منطقه است و در دنیای سینما شناسنامه خودش را دارد. سینما بیش از هر چیز دیگری برای این کشور افتخار آفریده و نام این سرزمین را در دنیا بلند کرده است. حالا با توجه به خلا جشنواره مطرح در خاورمیانه می‌شود امیدوار بود یک جشنواره بین‌المللی استاندارد هم در ایران پا بگیرد که با همه محدودیت‌های اقتصادی و دیپلماتیک، کم‌کم از سوی همه جدی گرفته شود و کم‌کم کانونی شود برای تجمع فیلم‌های مستقل، باکیفیت و انسانی. جشنواره جهانی فیلم فجر باید ذائقه خاص خود را به دست آورد. یعنی به‌تدریج مشخص شود که چه جور فیلم‌هایی به کار این جشنواره می‌آیند و جشنواره فجر به کار چه فیلم‌هایی. از سویی به لحاظ اجرایی، باید استانداردهای فعلی برگزاری جشنواره در ایران را بهبود بخشید. از طرف دیگر، حضور فیلم‌های باکیفیت، داوران معتبر، میهمانان سرشناس، خبرنگاران پرتعداد خارجی و بازار فیلم فعال، واقعی و توسعه‌یافته از مهم‌ترین فاکتورهای یک جشنواره استاندارد جهانی است. این جدی‌گرفته‌شدن جشنواره جهانی فیلم فجر باید از مسئولان آغاز شود و سینماگران، اهالی رسانه و منتقدان هم باید کمک کنند تا کابه‌گام، این جشنواره ارتقا پیدا کند و آبروی سینمای ایران در حوزه برگزاری جشنواره بین‌المللی باشد. اسامی کارهای تازه‌ای به‌ویژه در حوزه جذب هدفمند انبوه مخاطبان جدی، اردوی استعدادیابی بین‌المللی، ارتباط مؤثر با دانشگاه‌ها و محافل علمی، برگزاری کارگاه‌های مفید و... انجام شده خواهد داد. این جشنواره -که از اول اردیبهشت آغاز می‌شود- می‌تواند اعتبار سینمای ایران را در منطقه ارتقا دهد و کانال مطمئنی باشد برای وصل‌شدن ایران به بازار بین‌المللی فیلم و نزدیک‌شدن سینمای ما به «صنعت سینما».

زیر آسمان فیروزه‌ای

غم‌نامه‌ای برای عکاس جوان اصفهانی

● سیدمحمود موسوی - عکاس جوان - که بر اثر ایست قلبی درگذشت، ۲۷ فروردین در اصفهان شیعی و به خاک سپرده شد. به گزارش ایسنا، در پی درگذشت این هنرمند جوان، هیات‌مدیره انجمن عکاسان ایران متنی را منتشر کرد: «حال بوده است که زنگ خانه به صدا درآید و تو مواجه شوی با همسایه که به لحنی دلنشین دسته‌گلی را به تو تقدیم کند؛ این گل‌ها برای شماست روز خوبی داشته باشید. اما برای عکاس استکانی چای ریخته‌ای و منتظری تا کمی از دافی آن کاسته شود. در همین فاصله کوتاه مسلسل‌وار با خبرهایی مواجه می‌شوی که به گونه‌های مختلف به تو می‌رسند. حیرت‌زده می‌خسوب حادثه‌ها می‌شوی. روزگار با هرچه نامش را بگذاریم گلی را برپر و به دست باد سپرده است. واژه‌های نه، خدای من، حیف، ناگهان، ناکام و نابهنگام، در مغز و قلب تو ردیف می‌شوند. جای بخیزده‌ات را کنار می‌گذاری، صندلی‌ات را برمی‌گردانی به سمت پنجره و به آسمان خیره می‌شوی، بغضت می‌گیرد. سیدمحمود موسوی به‌جز اینکه عکاس بود، بر این باور بود که عمرش را فدای کار جمعی کند و از آن طریق با هم‌بودن را در کانون عکس اصفهان تجربه کند و با این راهبرد امروز شاهد عکاسان اصفهانی هستیم که این جوان هنرمند در رشدشان مؤثر بوده است. او تنها در خاک آرامیده، اما آرزوهایش هنوز زنده‌اند و تا ابد زنده خواهند بود. انجمن عکاسان ایران نبود صرفا جسمانی سیدمحمود موسوی را به خانواده محترم شادروان و جامعه عکاسی ایران تسلیت می‌گوید».

فرح اصولی، نقاشی که یکی از هنرجویان هنرستان دختران در پیچ شمیران تهران بوده، نسبت به خبر حذف رشته نقاشی از هنرستان‌های فنی‌وحرفه‌ای انتقاد و عنوان کرد که نه‌تنها نقاشان، بلکه بسیاری از طراحان گرافیک و مجسمه‌سازان شناخته‌شده ایرانی در این هنرستان‌ها تحصیل کرده‌اند.



برای بسیاری از رویدادها و مکان‌ها در سطح دنیا به دلیل قدمت و سابقه‌ای که دارند، ارزش قابل هستند؛ به‌عنوان مثال پینال ونیز یک‌شبه به شهرت رسیده است یا موزه لوور اعتبار خود را در سالیان دراز کسب کرده است، حتی یک شیرینی‌فروشی به دلیل سابقه طولانی که دارد، شهرت زیادی پیدا می‌کند. تاریخ روی این مکان‌ها و رویدادها اثر گذاشته است و درباره این مکان‌ها یا اتفاق‌ها می‌توان نوشت یا تحلیل کرد؛ چراکه باعث رشد افراد نخبه یک کشور شده و اکنون به جایگاه مهمی تبدیل شده‌اند؛ اما آنچه در ایران شاهد آن هستیم، این است که چنین رویدادها یا مکان‌هایی اهمیت پیدا نمی‌کند. معمولا در ایران روال بر این بوده است که وقتی چیزی نتیجه درست و موفق‌ی می‌دهد، حتما آن را عوض می‌کنند؛ مثلا

یکی از نمونه‌هایی که هنوز هم باعث تأسف من است، دانشگاه کمپلی علوم پایه زنجان به مدیریت پرفسور ثبوتی بود که بسیاری از دانشجویان آن توانستند مقاله‌هایشان را در کنفرانس‌های جهانی ارائه کنند و در کل این دانشگاه نتایج موفق‌ی در زمینه علمی داشت که همه از حاصل آن راضی بودند؛ باین‌حال چند سال آقای ثبوتی را از مدیریت دانشگاه برداشتند و شخص دیگری جایگزین او شد. درباره هنرستان هنرهای زیبا مخصوصا هنرستان دختران که خود من فارغ‌التحصیل آن هستم، باید بگویم این مکان ۶۲ سال قبل تأسیس شد و تا به حال بخش بزرگی از نقاشان، مجسمه‌سازان و گرافیس‌تها در آن تحصیل کرده‌اند و وقتی به حاصل هنرجویان آن نگاه می‌کنیم، شاهد هنرمندانی هستیم که اکنون نقش مهمی در جریان هنری کشور داشته‌اند و همین نشان می‌دهد این هنرستان‌ها خوب جواب داده‌اند. دوره تحصیلی

انتقاد فرح اصولی به حذف نقاشی از هنرستان‌ها عادت داریم همه‌چیز را برهم بزنیم

هنرستان‌ها در ابتدا سه سال و بعد چهارساله بوده و اگر کسی به دانشکده هم نمی‌رفت، دوران هنرستان برای نقاش‌شدن او کافی بود. در این هنرستان‌ها نقاشان بزرگی درس خواندند و استادان حرفه‌ای و باتجربه‌ای درس دادند؛ حتی باوجود اینکه تغییراتی مثل افزودن‌شدن دروس نظری و کمترشدن ساعت عملی- اما نتایج این هنرستان‌ها همچنان خوب است. من کارهای نسل جوانش را هم دنبال کرده‌ام و می‌بینم نسل جدیدی هم که از این هنرستان‌ها فارغ‌التحصیل شده‌اند، آثار خوب و مقبولی دارند. با توجه به این موضوع، نمی‌دانم انگیزه آنها که خواهان حذف رشته نقاشی شده‌اند، چه بوده است. نقاشی رشته مادر است و اصلا هنرستان‌ها با نقاشی مطرح شده‌اند. اگر انگیزه حذف این رشته، مسائل مالی است، دولت می‌تواند روی دو هنرستان هنرهای زیبای

واکنش تناولی و دبیری به واگذاری موزه

خصوصی‌سازی خطرناک است



موزه هنرهای معاصر اهواز

هنر شده به دلیل بی‌خبری و عدم هماهنگی مسئولان با هنرمندان است چون هیچ‌گونه نظرسنجی‌ای از هنرمندان نشده است. یکی از هنرمندان خوزستانی که پیگیر این ماجرا بود، پیشنهاد داد که به‌عنوان بخش خصوصی موزه را بگیرد. با توجه به چنین گزینه‌ای و با توجه به اینکه او خودش از اهالی هنر است و با توجه به اینکه اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خوزستان نیز در جریان بوده، چرا باید به چنین شخصی بی‌توجهی و یک شخص غیرهنری انتخاب شود؟» مریم حسینی، هنرمند خوزستانی و مدیر گالری اهواز، از دیگر افرادی بود که نگران وضعیت واگذاری بود: «موزه هم‌اکنون در حال واگذاری به بخش خصوصی است اما شخصی که قرار است موزه را تحویل بگیرد هیچ‌گونه سابقه هنری‌ای ندارد و صرفا پیمانکار است. متأسفانه در این زمینه با هنرمندان رایزنی صورت نگرفت».

اعتراض نسبت به خصوصی‌سازی

با وجودی که هنرمندان خوزستانی در شهرویر سال گذشته نیز انتقاد خود را نسبت به واگذاری موزه هنرهای معاصر اهواز و نحوه مدیریت این مکان ابراز کرده بودند اما با گذشت شش‌ماه از این جریان و یک هفته پس از اعتراض تهرانی‌ها نسبت به واگذاری موزه هنرهای معاصر تهران به بنیاد رودکی، خوزستانی‌ها هم در حمایت از موزه شهرستان قرار گذاشتند تا شنبه،

دختران و پسران تمرکز کند تا آنها که دوست دارند در رشته نقاشی تحصیل کنند، به این دو هنرستان بروند. چرا عادت داریم هر چیزی را که نتیجه می‌دهد، بی‌مورد برهم بزنیم؟ بهتر است روی چیزهایی که نتیجه درستی داده‌اند، آزمایش نکنیم. هنرستان‌ها محل خوبی برای یادگیری و نقاشی بودند و حذف این رشته از هنرستان‌ها برای افرادی مثل من که فارغ‌التحصیل آن هستم، دردناک است. برای دیگران هم اقدام عجیبی است. دولت در هرکجای دنیا آزمون‌هایی دارد و بابت آن هزینه می‌کند. همه ما می‌دانیم هنر در سالم‌کردن یک جامعه و محیط ضرر نیست. دولت باید متوجه این جریان باشد و از مکان‌هایی مانند هنرستان‌ها حمایت کند.

مطرح می‌کنند اصلا امکان ندارد. آنچه صورت گرفته براساس تفاهم‌نامه بوده و جنس فعالیت‌های موزه به‌هیچ‌عنوان غیرموزه‌ای نیست، بلکه تمام اتفاقات فرهنگی - هنری با نظارت کامل وزارت ارشاد صورت می‌گیرد. ما علاقه‌مند هستیم بخش خصوصی و نیروهای علاقه‌مند به فعالیت در حوزه فرهنگ و هنر بتوانند در این عرصه حضور پیدا کنند».

خصوصی‌سازی موزه‌ها

موضوع خصوصی‌سازی موزه‌های هنری یا سپردن آنها به یک نهاد عمومی و غیردولتی مانند بنیاد رودکی، مخالفان و موافقان خود را دارد. پرویز تاولی، مجسمه‌ساز شناخته‌شده ایرانی که موزه‌ها و نمایشگاه‌های زیادی را در کشورهای مختلف دنیا دیده است، در مورد خصوصی‌سازی موزه‌ها در ایران به «شرق» گفت: «این کار باید از پایه درست شود. در بسیاری از کشورهای خارجی موزه‌ها به بخش خصوصی سپرده می‌شوند؛ مثلا در آمریکا و برخی از کشورهای اروپایی بیشتر موزه‌ها از سوی بخش خصوصی اداره می‌شوند اما در فرانسه موزه‌ها دولتی یا در انگلستان تنها ۱۰ درصد موزه‌ها غیردولتی هستند. قوانین مالیاتی هم طوری تنظیم شده که مردم، تاجر و صاحبان صنایع برای حمایت از موزه‌ها تشویق شوند تا بخش خصوصی به فکر منافع خودش نباشد و این کار باعث افت کیفیت هنر نشود و از ارزش موزه نکاهد». او ادامه داد: «در ایران هنوز چنین شرایطی فراهم نشده است. باید قوانین درستی در این زمینه تنظیم شود و تا زمانی که این قوانین و جزئیات مشخص نشود، خصوصی‌سازی موزه‌هایی مانند موزه هنرهای معاصر تهران یا اهواز خطرناک است چون این موزه‌ها گنجینه‌هایی دارند که در صورت خصوصی‌سازی، سرزشت آنها مشخص نمی‌شود و این گنجینه‌ها متعلق به مردم هستند. در نتیجه من با خصوصی‌سازی این موزه‌ها موافق نیستم». از سوی دیگر بهرام دبیری، نقاش ایرانی، به خصوصی‌سازی موزه‌هایی مانند موزه هنرهای معاصر اهواز مخالف است و می‌گوید نتیجه چنین کاری سودجویی بخش خصوصی و افول ارزش مکانی موزه است. او معتقد است دولت باید برای چنین موزه‌هایی هزینه کند و علاوه‌بر بودجه مشخص، درآمد موزه‌ها را به خودشان بدهد.

حسین پاکدل «بیهوا...» را افتتاح کرد

پس از اتمام نمایش «بیهواهای عمگین سالار جنگ» در تماشاخانه ایران‌شهر برای اولین‌بار مواجه با اتفاقی ناخوشایند، خفت‌بار و به‌شدت تحقیرآمیز شدیم که ابدا در باور نمی‌گنجد. دوستان زحمتکش راهنما به تماشاخانه حبیب دوستور مدیریت مانع حضور تعداد محدود هنرمندان حاضر به پشت صحنه شدند. این عمل باعث توقف هنرمندان در سالن انتظار شد. بالطبع گروه اجرایی نمایش بلافاصله با همان لباس و گریم و حیثت اجرا به جمع پیوستند و از همکاران خود بابت این اتفاق عذرخواهی کردند. بلشوی‌به وجود آمد و همگی در بهت و حیرت به‌سمر می‌پردند. صحنه به‌وجودآمده در میان خیل انبوه تماشاگران که به شکل طبیعی تمایل به گرفتن عکس با هنرمندان داشتند وضعیتی به‌دور از شان و منزلت تاتار به وجود آورد. حتی عوامل اجرایی تماشاخانه نیز حالتی معذب داشتند. گویی جمع هنرمندان یک‌باره عریان و بی‌پناه به میانه میدانی رها شده باشند. به نظر می‌رسد مدیریت مجموعه برای ایجاد نظم، پیشگیری از احتمال وقوع منکر یا هر دلیل دیگری این تصمیم مطالعه‌نشده را ابلاغ کرده‌اند. به هر دلیل که باشد این امر باعث تحقیر و توهین به تمامی هنرمندان تاتار و حتی تماشاگران است. امید است با درایتی که در دوستان مسئول تماشاخانه جلوه کرده، جلو آن به‌سرعت گرفته شود تا فضای صمیمی و سلامت تئاتر این‌گونه مورد توهین قرار نگیرد. این روش‌های غیرهنری در صورت تداوم باعث می‌شود هنرمندان برای حفظ شان و منزلت خود به‌مرور از حضور در تماشاخانه خودداری کنند و شک نیست مدیریت مجموعه این هدف را دنبال نمی‌کند».